

چشم‌انداز اقدامات تکفیری‌ها پس از شکست نظامی در عراق

امیرحامد آزاد *

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هجدهم، شماره 2، پیاپی 70، تابستان 1396؛ صفحات 33-1

تاریخ دریافت: 1396/05/03 تاریخ پذیرش نهایی: 1396/05/30

چکیده

نابودی نمادهای خلافت به‌عنوان مراکز ثقل فیزیکی داعش به معنی نابودی کامل سازمان و پایان اقدامات داعش در عراق نیست. اگرچه می‌تواند یک مرحله مهم از نابودی آن تلقی گردد. از منظر ایدئولوژیک، عراق و به‌طور خاص بغداد دارای جایگاه ویژه‌ای برای اقامه دولت و اعاده خلافت برای داعش به حساب می‌آید. داعش با تن دادن به پایان تصمیم‌گیری یکپارچه و واسپاری آن به مراکز ثقل کوچک، اگرچه از بخش زیادی از توانایی خود دست کشیده است در عین حال امکان شناسایی توانایی‌های مهم و اقدامات اثرگذار علیه مرکزیت خود را با دشواری‌های زیادی روبرو ساخته است. بر این اساس باید گفت نابودی کامل داعش نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات بازدارنده و مهارکننده سیال برای شناخت آسیب‌پذیری‌های حیاتی مراکز ثقل محلی این گروه است و البته تا آن زمان قاعدتاً اقدامات تروریستی داعش در منطقه ادامه می‌یابد.

واژگان کلیدی

داعش، مرکز ثقل، ایدئولوژی، منابع قدرت، خلافت

مقدمه

موصل و رقه دو مرکز ثقل فیزیکی داعش به حساب می‌آید که از مبدأ آنها برای عملیات علیه هدف‌های دیگر در سرتاسر جهان برنامه‌ریزی می‌شود. بر همین اساس، استراتژی نابودی کامل داعش به‌واسطه انجام دو اقدام توأمان مد نظر قرار گرفت.

1. قطع ارتباط موصل با رقه از طریق محاصره؛

2. خارج کردن کنترل موصل و رقه از دست داعش از طریق حمله مستقیم.

بر اساس نظرسنجی مؤسسه گرینبرگ، به موازات افزایش فشار نظامی به مرکز ثقل فیزیکی داعش در موصل از ژانویه تا آوریل 2017 (آذر ماه 95 تا اردیبهشت 96)، وضعیت امنیت در افکار عمومی عراقی‌ها با 26 رتبه صعود به درجه «خیلی بهتر» رسیده است. بر اساس همین نظر سنجی، جایگاه امنیت به‌عنوان یک اولویت در افکار عمومی عراقی‌ها با رشد 12 روبرو بوده است.

(Greenberg quinlan rosner research, 2017: 3-7)

بهبود وضعیت امنیت و تنزل دغدغه امنیت در افکار عمومی مردم عراق منبث از خارج شدن کنترل اراضی تحت سیطره داعش از اختیار این سازمان است؛ به‌ویژه این‌که آزادی موصل به‌عنوان مرکز خلافت و مرکز ثقل فیزیکی داعش در عراق نقش بسزایی در بهبود وضعیت امنیت نزد افکار عمومی این کشور داشته است. علاوه بر مردم، دولت و نخبگان سیاسی عراق نیز برنامه‌های کلان کشور را موکول به دوران پساداعش نموده‌اند؛ به‌عنوان مثال «حیدر العبادی»، نخست‌وزیر عراق با اشاره به بهبود شرایط امنیتی اعلام کرد با فراهم شدن امکان رأی‌گیری و تأمین امنیت انتخابات در استان‌های نینوا و انبار برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای استانی در زمان قانونی خود یعنی آوریل 2018 انجام می‌شود. سید عمار حکیم نیز بعد از ارائه طرح تسویه ملی، اجرای آن را به بعد از آزادی موصل موکول نمود. (Sowell, 2017)

به موازات روند حمله به مراکز ثقل فیزیکی داعش، این سؤال پیش می‌آید که



میزان تأثیر این حملات بر بقاء داعش چیست؟ در این میان وزارت دفاع آمریکا مرکز ثقل اصلی داعش را ایدئولوژی این سازمان می‌داند. جان کربی، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا 21 شهریور 93 با تأکید بر این منطق تصریح کرده بود که داعش نیرو و مشروعیت خود را از ایدئولوژی کسب می‌کند و به همین دلیل، اقدامات نظامی تنها راه‌حل برای نابودی داعش نیست. وی با اشاره به فقدان توانایی ارتش آمریکا در مواجهه مؤثر با رویکردهای عقیدتی داعش گفت: نقش ما تضعیف توانایی‌های داعش و تقویت نیروهای محلی برای گرفتن زمین و مشروعیت از داعش است. (U.S Department of Defence, 2014)

چارچوب نظری

«کارل وُن کلاوزویتز»¹ شارح اولیه نظریه «مرکز ثقل»² این مفهوم را این‌طور تعریف می‌کند:

«شبکه‌ای از قدرت و حرکت در جنگ که همه‌چیز در چارچوب آن به هم وابسته هستند و همه نیروی ما به‌عنوان یک نقطه معارض باید معطوف به آن باشد.» (Lewis, 2014: 16)

هیچ یک از نسخه‌های اصلاح شده نظریه مرکز ثقل، جایگاهی را برای ایدئولوژی در نظر نگرفته‌اند و تمام قرائت‌های موجود از این نظریه، نگاهی مادی به این مفهوم دارند. بر این اساس، تمام دیدگاه‌های موجود درباره محوریت «منابع قدرت»، در مرکز ثقل اشتراک نظر دارند و این منابع را متشکل از ابزارهای چهارگانه ملی اعمال قدرت (نظامی، دیپلماتیک، اطلاعاتی و اقتصادی) قلمداد می‌کنند که در قلمروهای چندگانه زمینی، هوایی، دریایی، فضایی و سایبری فعال هستند. (Potter, 2013: 7)

یکی از ویژگی‌های فیزیکی منبعث از مفهوم قدرت در مرکز ثقل، قابلیت‌ها یا

1. Carl von Clausewitz
2. Center of Gravity: COG



توانایی‌هاست که حتی در صورت بی‌نظمی در مرکز ثقل و بدون شکل بودن این پدیده، همواره منسجم و قابل تشخیص هستند. بر همین اساس، اقدام اثرگذار علیه مرکز ثقل مستلزم شناسایی توانایی‌های مهمی است که قدرت فیزیکی در سیستم را به سمت نبرد هدایت می‌کند. (Rueschhoff and Dunne, 2011: 2)

در بعد نظری، بهره‌برداری از آسیب‌پذیری‌های مهم، تهیه نیازمندی‌های مهم را برای دستیابی به توانایی‌های مهم در مرکز ثقل امکان‌ناپذیر می‌سازد. لذا اخلال در توانایی‌های مهم می‌تواند در نهایت سیستم طرف تخاصم را به سمت نابودی کامل هدایت کند. بر همین اساس برنامه‌ریزان دکرترین نظامی تلاش می‌کنند به‌واسطه به-کارگیری یک الگوی غیرمعمول، آسیب‌پذیری‌های بالقوه و بالفعل در مرکز ثقل قدرت دشمن را شناسایی و تعیین کنند که کدام یک از آنها حیاتی و مهم هستند. از این منظر، ستاد برنامه‌ریزی مشترک برای تمام نیروهای زیرمجموعه ارتش چنین استدلال می‌کند که به‌کارگیری الگوی غیرمعمول به برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا نحوه جنگ طرف تخاصم را تحلیل و توانایی‌ها، نیازمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های مهم در مرکز ثقل قدرت آن را تعیین نمایند. (Strange, 1993: 3)

مدل غیرمعمول با تمرکز بر ارتباط داخل مرکز ثقل و آسیب‌پذیری‌های مهم درونی آن، به برنامه‌ریزان برای شناسایی عوامل مهم و هدف قرار دادن آنها و به برنامه‌ریزان عملیاتی در اندازه‌گیری و توصیف محیط عملیاتی سیستم‌های دشمن یاری می‌رساند. آماده‌سازی اطلاعاتی میدان نبرد (IPB)¹ در این دکرترین تحت عنوان متغیرهای عملیاتی تعریف می‌شود که شامل جنبه‌های نظامی و غیرنظامی محیط عملیاتی است. این جنبه‌ها در برگیرنده هشت عنصر مرتبط به یکدیگر هستند که به اختصار از آنها با عنوان (PMESII-PT)² یاد می‌شود. این عناصر هشت‌گانه شامل عوامل سیاسی، نظامی، اقتصادی، اطلاعات، زیرساختی، فیزیکی، محیط و زمان است که هر یک از آنها یک مرکز ثقل جداگانه قلمداد می‌شوند. با این وصف، مدل

1. Intelligence Preparation of the Battlefield

2. Political, Military, Economic, Social, Information, Infrastructure, Physical, Environment, Time.

غیرمعمول به برنامه‌ریزان عملیاتی با تجویز رهیافت‌های مستقیم و غیرمستقیم، چگونگی مؤثرترین حمله به «مرکز ثقل درست» را تعیین می‌کند که کاملاً از ویژگی فیزیکی برخوردار است. (Headquarters Department of the Army, 2012: 1-2)

مفاهیم و تعاریف مرکز ثقل

مفهوم	تعریف
مرکز ثقل ¹	منابعی از قدرت که توانایی ذهنی یا فیزیکی، آزادی عمل یا توانایی اقدام در آینده را فراهم می‌سازند.
رهیافت مستقیم ²	روشی که فرماندهی بر اساس آن، با به‌کارگیری نیروی رزمی مستقیم به مرکز ثقل یا قدرت اصلی دشمن حمله می‌کند.
رهیافت غیر مستقیم ³	روشی که فرماندهی بر اساس آن، با به‌کارگیری نیروی رزمی مستقیم به مجموعه‌ای از نقاط سرنوشت‌ساز که دشمن از اعمال قدرت بر آن (پاسخگویی متقابل) اجتناب دارد، حمله می‌کند.
توانایی‌های مهم ⁴	یک عامل ضروری که به مرکز ثقل، توانایی انجام وظیفه می‌دهد و برای دستیابی به اهداف تعیین شده یا فرضی حیاتی است.
نیازمندی‌های مهم ⁵	یک شرط، منبع و مفهوم ضروری برای عملیاتی‌سازی تمام‌عیار توانایی‌های مهم
آسیب‌پذیری‌های مهم ⁶	یک جنبه از نیازمندی‌های ضروری که یک حمله مستقیم یا غیرمستقیم را در دستیابی به نتایج عمده و مهم، دچار نقص یا آسیب‌پذیری می‌کند.

(Headquarters Department of the Army, 2013: 2)

مبانی نظری داعش برای اولویت عراق در ترتیبات جنگ

برخلاف القاعده، ایدئولوژی داعش با تکفیر شیعیان نمایه‌ای سخت از استراتژی خود را به نمایش می‌گذارد که بر تمرکز جغرافیایی این سازمان تأثیر قطعی دارد. ژنرال «ری اودیرنو»⁷، فرمانده وقت نیروهای آمریکایی در عراق طی گزارشی که ژوئن 2010 توسط وزارت دفاع آمریکا منتشر شد، در این رابطه نوشته بود:

«اهداف القاعده در عراق هیچ تغییری نداشته است. آنها به‌دنبال شکست کامل

1. Center of Gravity
2. Direct approach
3. Indirect approach
4. critical capability
5. critical requirement
6. critical vulnerability
7. Ray Odierno



دولت و تأسیس خلافت در عراق هستند، حالا نسبت به سال‌های 6-2005، این مسئله (تشکیل خلافت) یک وظیفه سخت‌تر برای آنها به‌شمار می‌رود؛ اما با وجود این در اندیشه اجرای آن ثابت قدم مانده‌اند و این موضوعی نیست که ایالات متحده بتواند کاری برای آن انجام دهد.» (U.S Department of Defense (A), 2010)

احیای خلافت در ارض عراق، آرمان داعش بود که خلأ قدرت بعد از فروپاشی رژیم بعث، این سازمان را برای تحقق آن وسوسه کرد. البته استقرار حکومت جدید در عراق که از مشروعیت لازم در محیط داخلی و محیط بین‌المللی برخوردار شد، یک متغیر بازدارنده در مقابل تحقق آرمان احیای خلافت در عراق بود. این یک فرضیه جدی است که حتی اگر دولت جدید در عراق بر پایه اکثریت جمعیت شیعه شکل نمی‌گرفت، باز هم یک مانع برای احیای خلافت بود. این ادعا ناظر به خائن و مرتد خواندن سنی‌های مشارکت‌کننده در روند دموکراتیک جدید از سوی داعش است. با این وصف، غلبه عددی شیعیان در ساخت جدید از یک سو به برجسته‌تر شدن تکفیر شیعیان منجر شد و از سوی دیگر تحریک بخشی از سنی‌ها علیه دولت مرکزی را پدید آورد.

استراتژی جنگی داعش در عراق در امتداد نظریات زرقاوی درباره ترتیبات، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های عملیاتی بود. این شیوه ناظر به ایجاد هسته‌های عملیاتی حرفه‌ای مشتمل بر سه ویژگی تخصص، تجربه و صبر است که باید اهداف زیر را محقق کند:

1. اداره منابع فیزیکی؛
2. اداره بخش‌هایی که نیروهای دولتی از آن بیرون رانده شدند؛
3. حمله به نیروهای معارض خلافت داعش.

داعش اصول ثابت «دولت اسلامی» را بر پایه ایجاد بیشترین آشوب برای بی‌ثبات ساختن دولت و واداشتن آن به عقب‌نشینی از قلمروی خود و سپس پر کردن خلأ قدرت ایجادشده توسط دولت خلافت تعریف کرده است. این بخش



از سوی داعش در چارچوب اصول بی‌ثبات‌سازی حکومتی که آن را نامشروع می‌خواند طبقه‌بندی شده و بعد از هجرت و جماعت قرار دارد. مراحل بعدی نیز تمکین و خلافت هستند که داعش در تمام مراحل چرخه حیات سازمانی خود در حال جابجایی پایان‌ناپذیر بین آنها بوده است. (Dabiq (Issue1) 1435, 36-38)

نتیجه تمرکز استراتژیک داعش بر عراق، رویارویی اجتناب‌ناپذیر با شیعیان بود که آن برجسته‌سازی مبانی ایدئولوژیک به‌طور عام برای اقناع سنی‌ها و به‌طور خاص افراد تحت بیعت داعش به‌منظور حمله به شیعیان بود. شماره سیزدهم از ماهنامه «دابق»، ارگان رسمی داعش نامه‌ای از ابومصعب زرقاوی خطاب به بن‌لادن منتشر کرده است که بر مبنای آن مخاطب اصلی استراتژی جنگی داعش در عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند. وی می‌نویسد:

«رافضی‌ها مانع عبورناپذیر، مارهای در کمین، عقرب حيله‌گر جرّار، دشمن دنبال‌کننده و سمّ‌کشنده هستند. ما اینجا (عراق) در دو سطح می‌جنگیم؛ جنگ اوّل آشکارا با دشمن متجاوز و کفر واضح است (ائتلاف) و جنگ دوّم، سخت و بی‌رحمانه با دشمن توطئه‌گری جریان دارد که لباس دوست به تن کرده است. نمایش پذیرش می‌دهد و دعوت به وحدت می‌کند؛ در حالی که شیطان مخفی و بخش‌هایی از روز و شب است که بعد از مصادره میراث همه فرق باطنیه، زخمی بر صورت دارد که از نمایش آن در روز ناتوان است. ناظر دقیق و موشکاف و عاقل درک می‌کند که مذهب شیعه، یک خطر فوری و یک چالش واقعی است. [آنها دشمنند، از آنان پرهیز، خدا بکشدشان، تا کجا از حقیقت انحراف یافته‌اند؟]

(المنافقون: 4)

درس‌های تاریخ به خوبی توسط شواهد جاری تأیید می‌شوند که شیعه مذهبی است که برخلاف اسلام، علاقه دارد یهودی‌ها را مستثنی و مسیحی‌ها را زیر عنوان اهل کتاب جمع کند. شیعه شامل همه مظاهر شرک اعم از پرستش قبرها و طواف آنها، تکفیر صحابه و لعن رهبران مؤمنین و بهترین افراد امت است.

(ابوبکر و عمر) ادعای تحریف قرآن، نتیجه منطقی افترای آنها به حاملین قرآن است. به علاوه ادعای معصومیت امامان و اعلام پذیرش آشکار آنان به عنوان یکی از پایه‌های دین، همراه با دیگر اشکال کُفر که در رساله‌ها و بر زبان مراجع‌شان جاری است و از چاپ و نشر و توزیع آن دست نمی‌کشند. رافضی‌ها یک خائن هستند، خیانتی برای همه تاریخ و ادوار و فرقه‌ای هستند که به صورت مستقیم با اهل سُنّت می‌جنگند.» (Dabiq (Issue13) 1437, 42)

منطق ابومصعب زرقاوی درباره دلایل اولویت جنگ با شیعیان در سازمان دولت اسلامی عراق و پس از آن داعش به عنوان یک اصل نهادینه پذیرفته شده است. دابق در توجیه تقدم مقابله با شیعیان مقابله با امریکایی‌ها می‌نویسد:

«رافضی‌ها میلیشیای خود را منحل کردند (اشاره به بدر و سایر گروه‌های شیعه عراقی) و به دولت جدید، ارتش و نیروهای امنیتی پیوستند که زیر نظر امریکایی‌ها و با کمک آنان شکل گرفته بود. رافضی‌ها می‌دانستند که درگیری مستقیم با اهل سُنّت تنها می‌تواند منافع آنان را به واسطه بیداری اهل سُنّت برای جهاد به خطر اندازد. رافضی‌ها معتقد بودند چنین درگیری باید تا زمان ثبات دولت مورد حمایت صلیبی‌ها که توسط رافضی‌ها کنترل می‌شد به تأخیر بیفتد. آنها جنایات زیادی را قبل از تأسیس دولت به شکل مخفیانه علیه اهل سُنّت انجام دادند که شامل کشتن بسیاری از مجاهدان، پزشکان، روشنفکران و مهندسان بود؛ با این تفاوت که رافضی‌ها برخلاف امریکایی‌ها به زبان عربی سخن می‌گفتند، نگاهی عراقی داشتند و قلمروی عراق را به خوبی می‌شناختند. این ویژگی‌ها از آنان دشمنی بزرگ‌تر و خطرناک‌تر از امریکایی‌ها ساخته است. آنها از ساده‌لوحی برخی اهل سُنّت بهره بردند و با به‌کار بردن تقیّه، کُفر خود را پنهان کردند. در نتیجه اجرای این طرح، بیشتر مجاهدین در طول تهاجم اولیه امریکایی‌ها کشته شدند که در واقع رافضی‌ها آنان را کشتند.» (Dabiq (Issue13) 1437, 42)

داعش با اتکا به استراتژی ابوعمر بغدادی هر نوع تلاش علیه اسرائیل را موکول



به شکست و اضمحلال شیعیان در عراق نمود و این مسئله را چنین تبیین کرد:
«جهاد در عراق، مناطق جهادی را که تضعیف شده‌اند تقویت می‌کند و راه را
برای حمله به دولت یهودی و باز پس‌گیری بیت‌المقدس هموار می‌سازد.»
(Dabiq (Issue1) 1435, 35)

یکی از ابعاد استراتژی زرقاوی علیه شیعیان، این بود که جنگ علیه شیعیان
آنان را به جنگ با اهل سنت می‌کشاند و از این طریق می‌توان در پناه یک جنگ
مذهبی بر شیعیان و حکومت عراق غلبه کرد بر این اساس او تصریح کرده است:
«هدف قرار دادن و نابود کردن آنان (شیعیان) در عمق مذهبی، سیاسی و نظامی‌شان
باعث خواهد شد آنها هاری خود را به سنی‌ها نشان دهند و دندان‌های تیزشان را که
در پشت قلب‌های کینه‌توزشان مخفی ساخته‌اند، نمایان سازند. اگر ما موفق به کشانیدن
آنها به یک جنگ مذهبی شویم، امکان بیداری سنی‌ها نسبت به نزدیک بودن خطر و
نابودی آنها به دست این سفاکان وجود دارد.» (U.S. Department of State, 2009)

کنش نظامی داعش قبل و بعد از اعلام خلافت

بررسی و انطباق اطلاعات موجود ضمیمه اطلاعات آماری گزارش کشوری
تروریسم¹ که توسط وزارت خارجه آمریکا در جولای 2017 منتشر شد، نشان
می‌دهد عراق بعد از حملات گسترده ائتلاف همچنان در بین ده کشور اول مورد
هجوم حملات تروریستی در رتبه اول و سوریه در هسته مرکزی فعالیت داعش،
با فاصله معناداری در رتبه هفتم بعد از عراق قرار گرفته است. این تفاوت بدین
معنی است که عراق در آینده همچنان به‌عنوان کانون تمرکز عملیاتی داعش باقی
خواهد ماند و با نابودی مرکز ثقل فیزیکی داعش در موصل و اراضی دیگر این
سازمان در عراق ضعیف می‌شود اما از بین نمی‌رود.

1. مجری این طرح، کنسرسیوم ملی برای مطالعه تروریسم و پاسخ به آن است. این مرکز، مرکز
تحقیقاتی وزارت علوم و فناوری امنیت ملی است و در دانشگاه مریلند استقرار دارد.

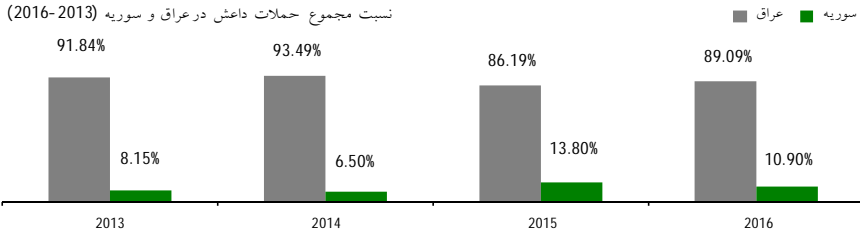
مقایسه حملات داعش در عراق و سوریه (طی سال‌های 2013 تا 2016)

مجموع آدم‌ربایی		متوسط زخمی در هر حمله		مجموع زخمی		متوسط تلفات در هر حمله		مجموع تلفات		مجموع حملات		سال
2014	2013	2014	2013	2014	2013	2014	2013	2014	2013	2014	2013	
2658	267	4,79	6,10	15137	14976	3,07	2,59	9929	6387	3337	2501	عراق
827	214	9,32	9,45	1473	1776	8,24	5,19	1698	1084	232	222	سوریه
2016	2015	2016	2015	2016	2015	2016	2015	2016	2015	2016	2015	سال
8586	4008	4,74	5,25	13314	11900	3,44	3,01	9764	6973	2965	2417	عراق
1406	1476	9,19	9,63	2656	2830	6,42	7,91	2088	2768	363	387	سوریه

(Country Reports on Terrorism 2014& 2016)

مقایسه نرخ حملات داعش طی سال‌های 2013 تا 2016، نسبت افزایشی و معناداری با ایجاد و اضمحلال خلافت توسط داعش دارد. نسبت مجموع حملات داعش طی سال‌های 2013 تا 2014 که داعش در تلاش برای سیطره بر موصل و اعلام خلافت بود، 25/05 درصد افزایش یافته است. این حملات بعد از اعلام خلافت و استقرار مراکز ثقل فیزیکی داعش با روند کاهشی 27/56 درصد در سال 2015 روبرو شد. بار دیگر با آغاز شدت عمل نظامی علیه داعش و افزایش نشانه‌های سقوط موصل، حملات داعش در عراق با رشد 18/48 درصدی روبرو بود. بر این اساس به نظر نمی‌رسد روند اقدامات نظامی داعش با کاهش و افزایش توان نظامی آن ارتباط زیادی داشته باشد. در عین حال می‌توان گفت عملیات این سازمان در سال 2015 که در اوج ثبات و استقرار در سرزمین بوده به طور طبیعی روندی کاهنده و در سال 2016 که این سازمان زیر شدیدترین حملات هوایی و زمینی قرار داشته، برای حفظ بقا و موقعیت خود با نرخ فزاینده‌ای روبرو بوده است. مقایسه نرخ حملات داعش در عراق و سوریه نیز حکایت از یک فاصله معنادار، عمیق و ثابت است که در مورد تمرکز عملیاتی داعش بر عراق جای تردیدی باقی نمی‌گذارد.





سیالیت و تغییرات تاکتیکی

فارغ از نگاه آماری درباره گنش نظامی داعش در عراق، شواهد عینی مستند دیگر نیز حکایت از این دارند که داعش بعد از سقوط موصل، با از دست دادن سرزمین و یکپارچگی سازمانی، ناگزیر به تغییر تاکتیک‌های نظامی و روش‌های تأمین مالی برای ادامه حیات خود شده است. پس از این مقطع، داعش در قالب مراکز ثقل فیزیکی کوچک محلی به گنش نظامی شدت بخشیده است. گزارشات متعدد از جمله گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد که اطلاعات آن توسط مأمورین میدانی این نهاد گردآوری شده ناظر به این روند است:

وی در پاراگراف چهارم از بخش «توسعه تهدید از ژانویه 2016» گزارش خود که 10 خرداد 96 منتشر کرد، ضمن اشاره به تداوم فشار شدید نظامی علیه داعش در عراق و سوریه از ژانویه 2016 و چندین شکست و عقب‌نشینی مهم بر تداوم پدیده تغییر تاکتیک‌های نظامی در هسته مرکزی داعش تأکید کرد. (Security Council (S/2017/467), 2017: 3)

در پاراگراف (16) از گزارش مورد اشاره دبیر کل که روز 23 دی ماه 1395 با شماره (S/2017/35) منتشر شده بود کارشناسان شورای امنیت به روزآمدسازی تاکتیک‌های نظامی داعش اشاره کرده و درباره آن چنین توضیح داده بودند: «فرماندهی مرکزی داعش، تاکتیک‌های نظامی خود را با شرایط وفق داده است. وی تنها به توسعه استراتژی کلی می‌پردازد و به فرماندهان محلی اجازه داده تا راه‌های ابتکاری خود را به کار گیرند. سازمان در تلاش است تحرک نیروهای خود را



در کارزارهای سبک ادامه دهد (حرکت در شب، استفاده از موتورسیکلت، دوچرخه و کاروان‌های کوچک).» (8: 2017, Security Council(S/2017/35))

در عین حال باید به این نکته تأکید کرد که فرماندهی داعش هیچ‌گاه فرماندهی عملیات‌های نظامی خود را در یک ستاد متمرکز نکرده است و هر فرمانده میدان اختیارات خود را داشته است. با این حال داعش پس از دست دادن سرزمین و مرکزیت حکومتی به شعبه‌های بیشتری تقسیم شده و به همین میزان نیز بر تعداد عملیات‌های آن افزوده شده است. در این بین نکته جالب این است که دبیر کل در پاراگراف (3) گزارش (S/2017/35) خود می‌گوید روند الحاق نیروهای خارجی به هسته مرکزی داعش کند و در مقابل بازگشت اعضای خارجی به نقاط مبدأ تشدید و تبدیل به تهدید اصلی شده است. البته در این گزارش تأکید شده بود که داعش به آموزش نیرو در استان‌های انبار و نینوا در عراق ادامه می‌دهد.

دبیر کل با اشاره به کاهش درآمد داعش از ژانویه 2016 اذعان کرده بود که این سازمان همچنان ده‌ها میلیون دلار درآمد ماهانه خود را حفظ کرده است. او با ارجاع به پاراگراف ششم از گزارش (S/2017/97) اعلام کرده بود درآمد داعش از فروش نفت از 500 میلیون دلار در سال 2015 به 260 میلیون دلار در فوریه سال 2017 کاهش یافته است.¹ در حال حاضر، 70 تا 80 درصد از درآمد سازمان وابسته به اخذ زکات است و ارسال هدایای مردمی از سایر نقاط دنیا نیز ادامه دارد. تخمین سازمان ملل از میزان دریافت هدایای خارجی معادل ماهانه 35 تا 45 میلیون دلار است.² علاوه بر این، داعش اخذ مالیات از کارمندان حقوق بگیر دولت در مناطق تحت کنترل خود را نیز افزایش داده است. این مسئله شامل اخذ زکات و مالیات از شهروندان فقیری بوده است که تا قبل از فوریه 2016، از

1. ارجاع به پاراگراف (6) از صفحه سوم گزارش شماره S/2017/97

2. ارجاع به پاراگراف (22) از صفحه هفتم گزارش شماره S/2016/92

پرداخت وجه به داعش معاف بوده‌اند. دلیل این افزایش، از دست رفتن منابع دریافت مالیات از حقوق کارمندان در مناطق خارج شده از کنترل داعش است. داعش تا قبل از دست دادن سیطره بر موصل، 90 شعبه بانکی فعال در محدوده تحت کنترل خود داشت که از طریق آنها حقوق کارمندان را پرداخت می‌کرد و درآمد مالیاتی از آنها نیز معادل یک میلیارد دلار در سال بود که تنها 675 میلیون دلار از این رقم مربوط به شعب مستقر در موصل بود. داعش همچنین تا دی 1394، سالانه 900 میلیون دلار حق ترانزیت دریافت می‌کرد که با از دست رفتن زمین، بخش زیادی از آن کاهش یافته بود. بنابراین برای جبران این کسری، در دو سال اخیر دریافت هزینه تأمین آب و برق، عوارض گمرکی، حق ترانزیت و اجاره املاک و مستغلات را افزایش و جایگزین آن کرد که رقم آن معادل 30 میلیون دلار در ماه است.¹ به طور طبیعی نتیجه کاهش بودجه، کاهش سطح خدمات و دیرکرد در پرداخت حقوق و دستمزد افراد است، هر چند هزینه‌های سازمان با از دست دادن ویژگی کارگزاری و پاسخگویی به مردم کاهش یافته و در هزینه‌های اداره جنگ متمرکز شده است.

بعد از ارائه گزارش پنجم دبیر کل درباره داعش، نماینده آمریکا در شورای امنیت نیز در خلال جلسه روز بیستم جولای 2017 به این مسئله اشاره کرد که داعش با وجود قرار داشتن زیر فشار شدید در عراق و سوریه، ایدئولوژی خود را گسترش داده، گروه‌های جدیدی را رادیکالیزه کرده و در نقاط جدیدی انشعاب ایجاد نموده است. این جلسه به صدور قطعنامه 2368 در راستای تداوم مبارزه با تروریسم منجر شد. (Security Council (8007TH Meeting), 2017)

شواهد عینی و اطلاعات مندرج در گزارشات متعدد بیانگر آن است که داعش به رغم شکست در حفظ سرزمین و حکومت، توان عملیاتی خود در سوریه و عراق را در حد زیادی حفظ کرده است بر این اساس بعضی از این منابع گفته‌اند بعد از

آزادی موصل 4 هزار نیروی رزمی و 3 هزار عضو غیرنظامی داعش که در سازمان مشغول به کار بودند همچنان در عراق حضور دارند و این نسبت به سوریه شامل 3 هزار نیروی رزمی و پنج هزار نیروی غیرنظامی است. (Business Insider, 2017)

افزایش 23 درصدی نرخ رسمی عملیات‌های داعش در سال 2016 و افزایش 28/5 درصدی قربانیان خود به تنهایی بیانگر حفظ بخش قابل توجهی از قدرت مانور جنگی داعش است. این گزارش‌ها در عین تأیید ابقای الگوهای جنگی سابق داعش از تغییر تاکتیک‌ها و ارتقای توانمندی‌های نظامی و مالی نیز خبر می‌دهند که در گزارش‌های متعدد به چهار محور اصلی اشاره شده است که در پیش‌بینی شرایط آینده اهمیت ویژه‌ای دارند:

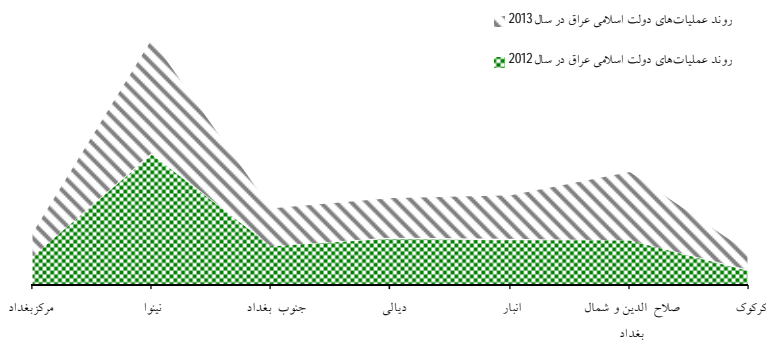
1. عملیات‌های داعش به‌رغم فشار شدید نظامی مثل گذشته ترکیبی از عملیات‌های نظامی و امنیتی است؛
2. تاکتیک سازمان از عملیات فراگیر به عملیات‌های محلی تغییر یافته است؛
3. بیش از گذشته، عملیات‌ها با ابتکار عمل فرماندهان محلی و بر اساس مقتضیات منطقه‌ای طراحی می‌شوند؛
4. شاخه‌های محلی داعش کماکان از منابع بقای محلی (مالی و نیروی انسانی) برخوردارند.

ذکر این نکته لازم است که تغییر تاکتیک عملیاتی گروهی که بعدها داعش خوانده شدند، از کلان به محلی در کنار افزایش توانمندی نظامی و مالی در مناطق کوچک مربوط به آذر ماه 1387 به بعد است. گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و پس از آن داعش¹ از دوم مرداد 1391 تا دوم مرداد 1392، 7681 عملیات از 15 نوع مختلف را در 4 مرحله و 29 موج متفاوت طراحی، سازماندهی و اجرا کرد. تحلیل روند عملیاتی این سازمان حکایت از تغییرات

1. داعش تا 20 فروردین 1392 با نام دولت اسلامی عراق و به‌عنوان شاخه القاعده فعالیت می‌کرد و پس از آن با اعلام تشکیل دولت اسلامی با افزودن قید جغرافیایی شام به دولت اسلامی عراق و شام تغییر نام داد و از سازمان القاعده جدا شد.

جزیی در حجم و تناسب جغرافیایی اجرای عملیات توسط این سازمان داشت و به وضوح نشان می‌دهد که این گروه در آن زمان با یک نرخ ثابت در توزیع جغرافیایی، مشغول بازسازی شبکه سلولی خود در عراق و افزایش تهدید کمربند امنیتی بغداد بوده است.¹

بنابراین بازگشت‌پذیری داعش به عراق و بازسازی توان عملیاتی این سازمان پدیده جدید و غیر قابل انتظاری محسوب نمی‌شود. ارتش و نیروهای امنیتی عراق با همراهی صحوات (نیروهای قبایل) تا پایان سال 2010، 24 عملیات‌های بزرگی برگزار کردند که هدف از آنها پاکسازی دولت اسلامی عراق بود، اما تنها نتیجه این عملیات‌ها، تثبیت متوسط آمار قربانیان ماهانه ناشی از حملات این گروه بین 300 تا 400 نفر در ماه بود. این نرخ با کاهش عملیات‌های نظامی ضد داعش، دوباره افزایش یافت و تا اواخر سال 1392 تقریباً نزدیک به دو برابر رکورد تلفات در سال 1387 رسید.

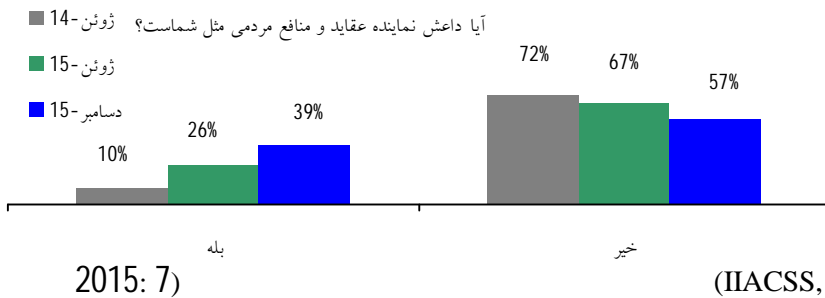


(النبأ، 1434: 1-410)

1. این توزیع بر اساس تجزیه و تحلیل آمار تجمیعی عملیات‌های دولت اسلامی عراق و شام انجام شده است. این آمار در سال‌نامه النبأ و در قالب 410 منتشر شده بود. این اطلاعات بنیان کلیه نمودارها و جداول تحلیلی مربوط به عملیات‌های دولت اسلامی عراق و داعش (تا اواسط مرداد 1392) در این متن را تشکیل می‌دهند.

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل توانایی نسبی داعش برای بازسازی هسته-های سلولی و بقا در جغرافیای عراق، پذیرش اجتماعی این سازمان نزد بخشی از جمعیت است. دست‌کم سه چهارم نیروهای داعش را اتباع عراقی و سوری تشکیل می‌دهند. وزارت دفاع عراق، این رقم را در رمادی حدود 50 درصد و در فلوجه حدود 80 درصد اعلام کرده است. این نهاد همچنین تا اردیبهشت 95 تخمین زده بود که 70 درصد از نیروهای عملیاتی داعش در داخل موصل و 92 درصد از نیروهای مستقر در حومه آن محلی بوده‌اند. (آزاد (الف)، 1395: 15)

براساس نتایج نظرسنجی «مؤسسه مطالعات حکومت و جامعه مدنی» طی سال‌های 2014 و 2015 و پس از سیطره داعش بر عراق بخش قابل توجه و تأثیرگذاری از مردم مناطق سنی عراق دارای گرایش عقیدتی به داعش بوده‌اند. این در حالی است که پیش از سیطره داعش یعنی اواسط خرداد 1393 تنها 10 درصد از جامعه آماری پاسخ‌دهنده، داعش را نماینده عقیده و منافع خود قلمداد کرده بودند. حدود یک سال و نیم پس از سیطره داعش، در دسامبر 2015 این نسبت به 39 درصد افزایش پیدا کرد. (IIACSS, 2015: 7-8)



منابع قدرت پیچیده

شواهد عینی حکایت از این دارند که ایدئولوژی به‌عنوان یک مرکز ثقل فعال در

شرایط نامنظم، به منابع قدرت در مراکز ثقل فیزیکی داعش نظم و انسجام می‌بخشد و نیازمندی‌های ضروری را برای تداوم حملات مستقیم یا غیرمستقیم از آسیب‌پذیری‌های حیاتی حفظ می‌کند. این روند به سازمان امکان می‌دهد تا حتی بعد از فروپاشی نمادهای خلافت به‌طور نسبی توانایی اقدامات برای دست‌یابی به اهداف خود را حفظ کند در عین حال باید گفت ایدئولوژی با تمام کارایی خارق‌العاده خود، بدون استفاده از سازکارهای کمکی که مبتنی بر بستر نسبی اجتماعی است قادر به حفظ توازن عملیاتی داعش نیست.

هر چند ساختار قبیله‌ای در عراق به دلایل متعدد نظیر افزوده شدن جمعیت شهری، اقدامات سلبی صدام و سپس تلاش‌های داعش برای فروپاشی عصیبت‌های عشیره‌ای، به طور جدی دچار فرسایش و تزلزل شده است؛ اما قبایل سنی مستقر در غرب و فرات میانی به دلیل نزدیکی به بیابان، ویژگی‌های بدوی خود را حفظ کرده‌اند و به‌طور کلی از قبایل شرقی عراق متمایز هستند. (Lang, Jr & others, 2006:44-45)

با این وجود آنچه قبایل سنی عراقی را وادار به مخالفت با روند سیاسی می‌کند بیش از آنکه ماهیت قبیله‌ای داشته باشد، ماهیت سیاسی دارد. چه اینکه در طول تاریخ عراق جدید (بعد از تأسیس کشور)، قبایل سنی همواره از یک موقعیت ممتاز اجتماعی در جامعه عراق برخوردار بوده و به ثروت و قدرت سیاسی دسترسی داشته‌اند؛ اما چنین مزایایی را بعد از فروپاشی رژیم بعث از دست دادند. تا پیش از سال 1383، 95 درصد از حکومت‌هایی که بر عراق تسلط یافتند سنی‌مذهب بوده‌اند و تمام واکنش‌های شدید جریان‌های سنی به ورود شیعیان و کردها به هرم تصمیم‌گیری نیز از همین منظر قابل تحلیل است. (الهاشمی، 2013: 85)

قبایل سنی بعد از سقوط رژیم بعث، دستیابی و حفظ سه عنصر را در اولویت اهداف خود قرار دادند:

1. دستیابی به بیشترین اندازه ممکن از هر چیز: آنان بر اساس این اصل تلاش

کردند تا قدرت نظامی را برای خود حفظ کنند، همچنین ابزارهای کلیدی سیاسی را نیز در کنترل خود نگاه دارند که البته موفقیت چندانی پیدا نکردند.

2. ثبات قدرت درون قبیله‌ای: قبایل سنی خواستار نوعی روابط حکومت با قبایل هستند که به ایجاد محدودیت برای آنان نیانجامد. یک وضعیت ایده‌آل برای این قبایل، ایجاد یک موازنه ظریف بر اساس شایسته‌سالاری قبیله‌ای است که بر اساس آن، یک عضو قبیله مطابق وفاداری، خدمات پایدار و منش اجتماعی پیشرفت می‌کند. قبایل عراق به دنبال احیای تعادل پویای قبیله‌ای هستند که بر اساس آن، ضمن پیشرفت در ثروت و قدرت، در عین حال از معرض خطر تنش بین قبیله‌ای دور بمانند.

3. رقابت گروه‌های اجتماعی: گروه‌های اجتماعی در سطوح سازمانی قبیله‌ای عراق تلاش می‌کنند در چارچوب شایسته‌سالاری قبیله‌ای به رقابت بر سر منابع محدود بپردازند و در این راستا در دوره بعد از صدام نیز به طور دائم در حال سبقت از هم بر سر کسب منافع بیشتر بودند. (Lang, Jr & others, 2006: 130)

قبایل سنی عراق برای اعاده منافع خود، همواره متکی به سازمانی بوده‌اند که از تفوق میدانی برخوردار است. به‌عنوان مثال، فرماندهی کل جهاد و آزادی به فرماندهی عزت ابراهیم الدوری، اسنادی از 1564 قبیله و عشیره منتشر کرده بود که در سال‌های 2007 تا 2012، با اعزام نمایندگان خود با ابراهیم عزت دوری برای بازگرداندن عراق به دولتی سنی بیعت کرده بودند. (الموقع الرسمي للرجال الطريقة النقشبندیة، 2015)

داعش با نمایش ویدئوهایی از شیوخ قبایل انبار و نینوا نیز از اسفند 91 تا اردیبهشت 94، بیعت آنان با خلیفه داعش را به نمایش گذاشت که نمادی از تلاش برای احیاء قدرت اهل سنت بود. در آخرین نمونه از چنین بیعت‌هایی عشیره‌های زیرمجموعه قبیله ذلیم در استان انبار پس از آغاز پاکسازی اراضی استان‌های دیالی و صلاح‌الدین بود که با برگزاری دو کنفرانس تحت عنوان «سفینه واحده» در 10 خرداد و 14 خرداد 1394 در رمادی، ضمن بیعت با رهبری



داعش، اهل سنت را به جهاد برای باز پس‌گیری عراق فراخواندند. در این بین مجموع سران 30 قبیله بزرگ سنی که پیش از این با عزت ابراهیم بیعت کرده بودند، تا پایان سال 2015 با ابوبکر بغدادی نیز بیعت کردند.¹

ویژگی قبایل سنی بر اساس اقلیم سکونت آنان متفاوت است. بر همین اساس استان انبار، خشن‌ترین استان سنی‌نشین عراق محسوب می‌شود که حدود 1/2 میلیون نفر از جمعیت 34 میلیونی عراق را در خود جای داده است. فلوجه و رمادی به‌عنوان دو شهر بزرگ این استان، قلب شورش‌های بعد از سقوط صدام را به خود اختصاص داده‌اند و مرکز ثقل فرهنگ قبیله‌ای و احساسات ناسیونالیستی در عراق محسوب می‌شوند. با وجود این، رفتار دوگانه مبتنی بر تنازع برای کسب منابع در استان انبار نیز مشهود بوده است.

قبیله ذلیم یکی از نمونه‌های بارز رفتار دوگانه و پیچیده در قبایل سنی عراق است که بخشی از بدنه آن با حکومت و نیروهای آمریکایی همکاری داشته و بخش دیگر نیز در روند شوراها مشارکت کرده است. گنش عشایر انبار (شاخه‌های الدلیم) در سال‌های بعد از سقوط رژیم صدام حسین، نمونه بارز رفتار دوگانه قبیله‌ای در عراق است. سعدون الدلیمی، عضو این قبیله می‌گوید الدلیم دارای 150 شعبه و 3 میلیون عضو پراکنده در عراق است و علاوه بر افراد وارد شده به ساختار حکومت، تعداد زیادی از افسران پلیس و نیروهای ارتش و امنیتی نیز از اعضای همین قبیله هستند. مشارکت تمام 21 زیرمجموعه قبیله دلیم در روند شورش طی سال‌های 2003 تا 2005 در کنار نیروهای زرقاوی و همکاری برخی از همان قبایل با نیروهای آمریکایی بعد از 2005 نماد رفتار دوگانه این قبایل محسوب می‌شود. (Lang, Jr & others, 2006: 135)

در بین این شبکه گسترده برخی زیرمجموعه‌ها نظیر البوحدان، الجنابات،

1. این قبایل شامل ابو بدران، ابو حمدان، طی، النعیم، العباده، العکیدات، الجبور، اللهب، الدلیم، بنی ربیع، الحمدون، البکاره، الجحیش، السبعاوینین، الشریفات، بنی عت، ابو سلامه، الجرجریه، الراشد، اللوزین، الحیالین، ابو متیوت، الصمدی، ابو حیان، الخفاجه، الجواله، الجنابین، المعامره، ابو عجیل و الزبید می‌گردند.

البونمر، الهایس و البوریشیه به نیروهای حکومتی در سرکوب دولت اسلامی عراق و داعش کمک کردند. به عنوان مثال، در نبرد چهارم فلوجه که در ماه‌های می و ژوئن 2016 انجام شد، دست کم 4 هزار نفر از نیروهای عشایر انبار مشارکت داشتند. در عین حال، الدلیم یک قبیله حنفی‌مذهب و از بسترهای بسیج نیروی داعش نیز محسوب می‌شود و حداقل 18 فرمانده مؤثر سازمان منتسب به این قبیله بودند. براساس آنچه گفته شده است، البوفهد، البومحل و البوعیسی - سه زیرمجموعه دلیم در انبار - اگرچه از جایگاه رفیعی در سلسله مراتب قبیله‌ای برخوردار نیستند اما بعد از سال 2003، به دلیل نقش برجسته و قابل ملاحظه‌ای که در شورش‌های استان انبار بازی کردند، مهم تلقی شده‌اند. (آزاد (ب)، 1395: 18)

البوفهد از سه مرکز ثقل جغرافیایی برخوردار است. البومحل با 13 زیرمجموعه روابط خوبی با البونمر، دیگر شاخه الدلیم دارد و هر دو شاخه بعد از سال 2003 همواره در نبردهای مشترک علیه دولت اسلامی عراق و داعش فعال بوده‌اند. البوعیسی دارای دو زیرمجموعه اصلی البومهنا و البوصالح است که به ترتیب 10 و 6 قبیله در زیرمجموعه دارند. اگرچه البوعیسی از سوی صدام حمایت نمی‌شد، از عقاید سرسختانه ناسیونالیستی برخوردار بود و بر همین اساس در زمره مخالفان حضور آمریکا در عراق قرار گرفت. البوعیسی جزو اولین قبایل شورشی در سال 2003 بود که به بسیج نیرو در فلوجه پرداخت. عمده زیرمجموعه‌های قبیله البوعیسی، در شورش‌های دوره اشغال شرکت کردند. آنها در همکاری با قبیله زوبع در همه سطوح به نیروهای شورشی کمک می‌کردند و یکی از فعال‌ترین قاچاقچی‌های سلاح از طریق شاخه‌های خود در سوریه محسوب می‌شدند.

رافع‌العیسای از سرسخت‌ترین نمادهای معارض در قبیله البوعیسی است که مبنای آغاز آشوب در استان‌های سنی‌نشین عراق محسوب می‌شود. عیسای وزیر دارایی در دولت مالکی، افراطی‌ترین عضو فهرست العراقیه شناخته می‌شود او بدون هیچ پرهیزی در حضور اعضای فهرست شیعه به شیعیان توهین نموده و



تأکید می‌کرد که سُنّی‌ها سال‌ها بر عراق حاکم بوده‌اند و امکان ندارد، شیعیان حکومت عراق را به دست گیرند. (آزاد (ب)، 1395: 19-25)



روند صعود بحران و بسیج منابع قدرت توسط داعش

دستگیری 4 محافظ رافع عیسایوی وزیر سُنی کابینه مالکی	28 آذر 1391
حمله به خانه رافع عیسایوی و آغاز اعتراض‌ها در مناطق سُنی نشین	30 آذر 1391
تنظیم فهرست مطالبات 13 گانه سُنی‌ها (نماد تمامیت‌خواهی سُنی‌ها)	17 دی 1391
اولین درگیری مسلحانه در فلوجه	6 بهمن 1391
تهدید ابو ریشه به رویارویی نظامی	7 بهمن 1391
تهدید عیسایوی به مقاومت در رمادی تا پای مرگ	22 اسفند 1391
آغاز تحرکات حاکی از ورود بحران به مقابله سازمان‌یافته نظامی	5 فروردین 92
شعار سراسری «سازش هرگز»	10 فروردین 92
اعلام تشکیل داعش (پس از اعاده مطالبات سُنی‌ها به زور و بدون اعطای هرگونه امتیاز به دولت)	20 فروردین 92
آغاز درگیری‌های مسلحانه سراسری در مناطق سُنی نشین	4 و 5 فروردین 92
جمعه آتش گرفتن مطالبات (اعلام بی‌فایده‌گی اعاده مسالمت‌آمیز مطالبات)	7 اردیبهشت 92
آزادی 700 نفر به‌عنوان نقطه‌عطف عملکرد یک ساله دولت اسلامی عراق	1 مرداد 92
صدور دستور برچیدن اردوگاه‌های اعتراض در رمادی	11 دی 92
تهدید به مقابله مسلحانه با نیروهای دولتی در فلوجه	2 دی 92
دستگیری احمد علوانی و دعوت علی حاتم سلیمان به دفاع از خود	8 دی 92
دعوت وسیع از بلندگوهای مساجد فلوجه و شبکه‌های اجتماعی به جهاد	9 دی 92
سقوط کامل فلوجه، صقلاویه و کرمه در حومه رمادی	12 دی 92
سقوط کامل موصل، بخش‌هایی از صلاح‌الدین و دیالی و اعلام خلافت داعش	11 بهمن 92

(آزاد (ح)، 1394: 13)

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

1. بررسی شواهد عینی حاکی از این است که برخلاف باور عمومی نابودی نمادهای خلافت به‌عنوان مراکز ثقل فیزیکی داعش به معنی نابودی کامل سازمان و پایان اقدامات نظامی آن در عراق نیست. چه اینکه تکفیری‌ها از منظر ایدئولوژیک، عراق و به‌طور خاص بغداد را دارای جایگاه ویژه‌ای برای تحقق اهداف خود به حساب می‌آوردند. از این منظر، داعش با هر نوع دولت مستقر اعم از شیعه یا سُنی وارد نزاع وجودی می‌شود. این روند بعد از سقوط رژیم



بعث و تشکیل دولت دموکراتیک آغاز شد و با حمله توأمان به مواضع شیعیان و سنی‌ها شکل گرفت و به نظر می‌رسد بعد از اعلام پاکسازی کامل اراضی عراق از داعش نیز ادامه یابد. این ادعا به خوبی از طریق سنجش نسبت به مجموع عملیات‌های داعش در عراق و سوریه که دو مرکز ثقل فیزیکی خلافت (موصل و رقه) در آن قرار داشتند، قابل اثبات است. نسبت عملیات‌های داعش در عراق طی سال‌های 2013 تا 2016 بین 92 تا 89 درصد از کل عملیات‌های سازمان در عراق و سوریه و نسبت عملیات‌های داعش در سوریه در همین بازه زمانی بین 8 تا 11 درصد از مجموع عملیات‌های این سازمان در عراق و سوریه بوده است.

2. مقایسه نرخ آمار عملیاتی داعش، نسبت معناداری از افزایش و کاهش حملات این سازمان در دوره قبل و بعد از اعلام خلافت را به نمایش می‌گذارد که به نظر می‌رسد ناشی از یک ارتباط معنادار بین این روند عملیاتی و پدیده خلافت است. نرخ حملات داعش طی سال 2013 تا 2014 که منتهی به سیطره داعش بر موصل و اعلام خلافت شد، 25/05 درصد افزایش یافته است. این حملات بعد از اعلام خلافت و استقرار مراکز ثقل فیزیکی داعش با رشد منفی 27/56 درصد در سال 2015 روبرو بوده است. با آغاز شدت عمل نظامی علیه داعش و افزایش نشانه‌های آزادی موصل، نسبت مجموع حملات داعش در عراق با رشد 18/48 درصد روبرو بوده است. داعش با پایان دادن به تصمیم‌گیری یکپارچه و واسپاری آن به مراکز ثقل کوچک منطقه‌ای، امکان شناسایی توانایی‌های مهم و اقدام اثرگذار علیه مرکز ثقل را با دشواری زیادی روبرو ساخته است.

3. توانایی‌های داعش در ایجاد مراکز ثقل کوچک و محلی، ادامه اقدامات نظامی علیه دولت را ممکن می‌سازد. داعش بعد از سقوط موصل، با ایجاد تکثر در موقعیت‌های فیزیکی، حالت تهاجمی‌تری به خود گرفته و منابع مادی، تسلیحات و نیروی انسانی را به جای دفاع از قلمرو خلافت و امور کارگزاری دولت به شکل غیر متمرکز در روند افزایش عملیات نظامی به کار گرفته است.



4. متغیرهای عملیاتی داعش شامل جنبه‌های نظامی و امنیتی است. این جنبه‌ها تمامی هشت عنصر مرتبط به هم سیاسی، نظامی، اقتصادی، اطلاعات، زیرساخت، فیزیکی، محیط و زمان را در بر می‌گیرد که هر کدام، یک مرکز ثقل جداگانه قلمداد می‌شوند و شناسایی آنها به دلیل تکثر با دشواری روبروست.

نتیجه‌گیری

نابودی کامل داعش به دلیل تأثیرپذیری و هدایت موقعیت‌های فیزیکی این سازمان از مرکز ثقل ایدئولوژیک، تنها در صورت نابودی این مرکز ثقل امکان‌پذیر است. چنین عملیاتی غیرنظامی و مبتنی بر فرایند طولانی فرهنگی-اجتماعی است که به دلیل وجود متغیرهای مداخله‌گر فراوان نمی‌توان دورنمای نزدیکی برای تحقق آن ترسیم کرد. لذا روند مهار ایدئولوژیک می‌بایست با مجموعه‌ای از اقدامات بازدارنده و مهارکننده سیال توأم باشد تا به واسطه اعمال آن، آسیب‌پذیری‌های حیاتی موقعیت‌های فیزیکی محلی داعش به‌طور صحیح، شناسایی و مورد هدف قرار گیرد. از این طریق نیازمندی‌های حیاتی داعش به‌عنوان یک شرط ضروری برای عملیاتی‌سازی تمام‌عیار توانایی‌های مهم با چالش جدی روبرو و توانایی مراکز ثقل محلی برای طراحی و اجرای عملیات نظامی دچار خدشه می‌شود. شناسایی آسیب‌پذیری‌های مهم مراکز ثقل فیزیکی محلی داعش نیازمند همکاری شبکه نیروهای محلی قبایل سنی عراق است که به میزان زیادی از تنازع دائم برای دستیابی به منابع تأثیرپذیر است. لذا دولت مرکزی عراق قادر خواهد بود با مدیریت این تنازع، از ظرفیت شبکه قبیله‌ای مستقر در اراضی سنی برای ضربه به مراکز ثقل فیزیکی محلی داعش استفاده نماید.



منابع و مأخذ

- آزاد، امیرحامد، بررسی نقش عراق در جنگ سوریه، 1394، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- _____ آینه داعش در عراق بعد از موصل، 1395، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- _____ بررسی ظرفیت‌های اجتماعی داعش در بحران امنیتی عراق، 1395، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

- الجزيرة، شیوخ عشائر الفلوجة یبایعون البغدادي و یهاجمون الحكومة، ۲۰۱۵.

<http://www.aljazeera.net/news/arabic/2015/6/3/>

- الهاشمی، محمد صادق، سنه العراق: درسه فی ابرز التحولات السياسيه الاحزاب السنیه فی العراق بعد عام ۲۰۰۳، ۲۰۱۳، سلسله اصدارات (۶۲)، مرکز العراق للدراسات.

- الموقع الرسمي للرجال الطريقة النقشبندية، ۲۰۱۵، جيشنا (جيش رجال الطريقة النقشبندية)،

<http://www.alnakshabandia.net/army/index.php/our-army>

- نشرته النبأ، حصاد العمليات العسكرية للدولة الإسلامية - لسنة ۱۴۳۳ في العراق منتهى ثورة العراق،

<https://azelin.files.wordpress.com/2014/04/al-binc481-magazine-1.pdf>

- National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism: Annex of Statistical Information, 2014, National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism a Department of Homeland Security Science and Technology Center of Excellence Based at the University of Maryland, <https://www.state.gov/documents/organization/n/239628.pdf>.

- National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism: Annex of Statistical Information, 2016, National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism a Department of Homeland Security Science and Technology Center of Excellence Based at the University of Maryland, <https://www.state.gov/j/ct/rls/crt/2016/272241.htm>.

-Dabiq, 1435, (Issue1), the Return of Khilafah.

-Dabiq, 1435, (Issue4), the Failed Crusade.

-Dabiq, 1437, (Issue13), The Raideh: From Ibn Saba' To the Dajjal.

-Greenberg quinlan rosner research, 2017, Improved Security Provides Opening for Cooperation (March –April 2017 Survey Findings), <https://www.ndi.org/sites/default/files/Iraq%20April%202017%20Survey%20Public%20Final%20%281%29%20%281%29.pdf>.

-Headquarters Department of the Army, ADRP 3-0, 2012, Unified Land Operations, Distribution Restriction: Approved for public release; distribution is unlimited, https://fas.org/irp/doddir/army/adrp3_0.pdf.

-Headquarters Department of the Army, 2013, ADRP1-02, C2, Operational Terms and Military Symbols, Change No. 2 Washington, DC, 2012: http://armyrotc.msu.edu/resources/adrp1_02.pdf.

- IIACSS, 2015, Combating Da'esh: We Are Losing the Battle for Hearts and Minds,



<https://www.slideshare.net/TWIPubs/combating-daesh-we-are-losing-the-battle-for-hearts-and-minds?ref=http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/the-islamic-state-new-inside-views>.

- Jones, Seth G., 2014, A Persistent Threat, The Evolution of al Qa'ida and Other Salafi Jihadists, RAND, NATIONAL DEFENSE RESEARCH INSTITUTE, ISBN: 978-0-8330-8572-6, http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_reports/RR600/RR637/RAND_RR637.pdf.
- Lang, Jr, W. Patrick & others, 2006, Al-Anbar Governorate, Study Conducted Under Contract with the Department of Defense, http://turcopolier.typepad.com/the_athenaeum/files/iraq_tribal_study_070907.pdf.
- Lewis, Jessica D., 2014, the Islamic State: a Counter-Strategy for a Counter-State: MIDDLE EAST SECURITY REPORT 21, Published in the United States of America by the Institute for the Study of War:<http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Lewis-Center%20of%20gravity.pdf>.
- Potter, Shayla D. 2013, the Center of Gravity Concept: A study Of its Description and Application in Two Different eras, School of Advanced Military Studies United States Army Command and General Staff College Fort Leavenworth, Kansas, www.dtic.mil/gettr-doc/pdf?AD=ADA606275.
- Rueschhoff, Jan L., and Dunne, Jonathan P, 2011, Centers of Gravity from the 'Inside Out, Joint Force Quarterly 60, http://www.au.af.mil/au/awc/awcgate/jfq/rueschhoff_dunne_cog_inside_out.pdf.
- Strange, Joseph L. (1996). Centers of Gravity and Critical Vulnerabilities: Building on the Clausewitz an Foundation So We Can All Speak the Same Language, Perspectives on Warfighting Number Four, 2nd ed. Quantico, VA: Marine Corps Association, http://jpsc.ndu.edu/Portals/72/Documents/JC2IOS/Additional_Reading/3B_COG_and_Critical_Vulnerabilities.pdf.
- U.S. Department of State, 2009, Zarqawi letter to Zawahiri. "February 2004 Coalition Provisional Authority English translation of terrorist Musab al Zarqawi letter obtained by United States Government in Iraq," U.S. Department of State, <http://2001-2009.state.gov/nea/rls/31694.htm>.
- U.S Department of Defense, 2010, with Gen. Odierno from the Pentagon, Presenter: Commander, U.S. Forces-Iraq Gen. Raymond Odierno, <http://www.defense.gov/transcripts/transcript.aspx?transcriptid=4632>.
- U.S Department of Defence, 2014, Department of Defense Press Briefing by Rear Adm. Kirby in the Pentagon Briefing Room, <https://www.defense.gov/News/Transcripts/Transcript-View/Article/606928>.
- U.S Department of Defence, 2016, Isolation, Liberation of Raqqa Key in Defeating ISIL, Pentagon Spokesman Says, <https://www.defense.gov/News/Article/Article/998570/>



isolation-liberation-of-raqqa-key-in-defeating-isil-pentagon-spokesman-says/.

- Security Council (S/2017/35), 2017, Letter dated 11 January 2017 from the Chair of the Security Council Committee pursuant to resolutions 1267(1999), 1989 (2011)and 2253 (2015)concerning Islamic State in Iraq and the Levant (Da'esh), Al-Qaida and associated individuals, groups, undertakings and entities addressed to the President of the Security Council, <https://undocs.org/S/2017/35>.
- Security Council (S/2017/467), 2017, fifth report of the Secretary-General on the threat posed by ISIL (Da'esh) to international peace and security and the range of United Nations efforts in support of Member States in countering the threat, <https://undocs.org/en/S/2017/467>.
- Security Council (8007TH Meeting), 2017, Unanimously Adopting Resolution 2368 (2017), Security Council Reaffirms Its Resolve to Combat Terrorism, SC/12917, <https://www.un.org/press/en/2017/sc12917.doc.htm>.
- Sowell, Kirk H., 2017, Debates over how to oversee and tally votes in Iraq's provincial and national elections could spill over into popular unrest, <http://carnegieendowment.org/sada/68730>.

